

## بررسی زمینه‌های امنیتی شدن موضوع اقلیت‌های دینی در جمهوری اسلامی ایران

محمدعلی سلامی<sup>۱</sup>

دکتر حمید پیشگاه هادیان<sup>۲</sup>

دکتر محمد علی خسروی<sup>۳</sup>

دکتر حبیب الله ابوالحسن شیرازی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۱

### چکیده

مفهوم امنیتی کردن، یعنی خروج پدیده‌ها از حوزه سیاست‌های عمومی و ورود آن‌ها به حوزه امنیتی. طرح یک موضوع در دستور کار امنیتی، نقطه‌ی آغاز فرآیند امنیتی شدن است. هر چند کشور ما همواره میزبان اقلیت‌های قومی، نژادی و یا دینی بوده، ولی اقلیت‌های دینی به دلیل صبغه اعتقادی از وزن قابل توجه‌تری برخوردار بودند. در اصل ۱۳ قانون اساسی تنها مسیحیت، یهود و زرتشت، مصداق اقلیت دینی می‌باشند. از آنجا که علل و زمینه‌های تبدیل موضوع اقلیت‌های دینی به مسئله امنیتی، همواره ذهن تصمیم‌گیرندگان این عرصه‌ها را به خود مشغول کرده؛ سؤال اصلی پژوهش، این می‌باشد که «از نظر جامعه‌شناسی سیاسی، چه علل و زمینه‌هایی موجبات امنیتی شدن موضوع اقلیت‌های دینی مسیحیت، یهود و زرتشت در جمهوری اسلامی را فراهم می‌سازد؟». نکته مهم دیگر این که عدم شناخت برخی صاحب‌نظران از حقوق این اقلیت‌ها، تبعات جبران‌ناپذیری به همراه داشته و باید به دنبال مدلی بود تا سطوح مختلف امنیتی آنها مشخص و دلالت‌های راهبردی را نیز از آن استخراج کرد.

دو رویکرد داخلی و خارجی در امنیتی کردن اقلیت‌های دینی قابل توجه است. رفتارهای مخرب امنیتی از جانب اقلیت‌های دینی مذکور به جز مسیحیت پروتستان پائین است، ولی می‌بایست بر مبنای شاخص‌هایی غیرامنیتی، همواره صیانت و تعیین وضعیت شوند.

نتیجه اینکه عوامل داخلی و خارجی نتوانسته‌اند این اقلیت‌ها را به سمت واگرائی سوق داده و زمینه امنیتی شدن یا امنیتی ساختن آنها را بوجود آورند.

**کلید واژه:** اقلیت، امنیت/تهدید، امنیت اجتماعی، امنیت ملی جمهوری اسلامی، حقوق اقلیت‌های دینی در جمهوری اسلامی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Mehro0544@yahoo.com

<sup>۲</sup> استاد یار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

phamidhadian@yahoo.com

<sup>۳</sup> استاد یار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران malikhosravi@gmail.com

<sup>۴</sup> دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

habib\_shirazi@yahoo.com

مفهوم امنیتی شدن، به معنای خروج پدیده‌ها و یا موضوعات از وضعیت عادی به حالت فوق العاده می‌باشد. به عبارت دیگر، امنیتی شدن به معنای خارج شدن پدیده‌ها از حوزه‌ی سیاست‌های عادی<sup>۱</sup> یا سیاست‌های عمومی<sup>۲</sup> و وارد شدن آن‌ها به حوزه‌ی امنیتی می‌باشد. طرح یک موضوع در دستور کار امنیتی، نقطه‌ی آغاز فرآیند امنیتی شدن است. امنیتی شدن از جمله مفاهیم موجود در مکاتب امنیتی مبتنی بر رویکرد سازه‌انگاران محسوب می‌شود.

از اصل بین‌ذهنی بودن مسئله‌ی امنیت می‌توان نتیجه گرفت که، آستانه امنیتی دولت — ملت‌ها با یکدیگر متفاوت است و این مهم به‌دبگر بازیگران متذکر می‌گردد که وقتی دولت‌ها موضوعی را امنیتی می‌سازند، این یک واقعیت سیاسی است که نتایجی را نیز در پی خواهد داشت. در این چارچوب، درک و شناخت آستانه‌ی امنیتی دیگر بازیگران و به‌بیان دیگر، خطوط قرمز امنیتی آنها و آنجا که احساس تهدید می‌کنند، برای طرح ریزی سیاست‌ها و استراتژی امنیتی، امری ضروری است.

به‌گفته بوزان، تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها می‌توانند در حوزه‌های مختلف رخ دهند (نظامی و غیرنظامی)؛ اما برای آن‌که جزو مسائل امنیتی به حساب آیند، باید در سنجش با معیارهای مرتبط با امنیتی شدن یک موضوع این مسئله را به اثبات رسانند تا امکان جداسازی آن از مسائل صرف سیاسی امکان پذیر شود. (عبداله خانی، ۱۳۸۹)

الی‌ویور، استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه کپنهاگ دانمارک، معتقد است «یک موضوع زمانی در دایره‌ی امنیتی قرار می‌گیرد که به صورت تهدیدی وجودی جلوه‌گر شود.» (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶)

در اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته میشوند که در حدود قانون، در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی، بر طبق آیین خود عمل میکنند.»

در این اصل دو نکته به طور مشخص حائز اهمیت است:

(۱) این گونه نیست که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هر مدعی را به عنوان اقلیت دینی به رسمیت شناخته باشد. وابستگی و وصل به ادیان توحیدی و عقاید و حیانی مصرح در قرآن کریم، آن گونه که قبلاً گذشت، مبنای شناخت ادیان مذکور می‌باشد.

<sup>۱</sup> Normal Politics

<sup>۲</sup> Public Politics

(۲) بنابر اصل مذکور اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی از کلیه حقوق مربوطه در نظام اسلامی برخوردارند و هیچ کس نمی‌تواند در رعایت این حقوق ممانعت و یا تخلفی داشته باشد.

لذا بررسی علل و زمینه‌های امنیتی شدن اقلیت‌های دینی در ایران، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. در این میان شنیدن صدای صاحب نظران عضو اقلیتهای دینی اعم از نمایندگان آنها در مجلس شورای اسلامی، رهبران دینی و اجتماعی اقلیت‌های دینی در ایران و... می‌تواند ما را به قضاوتی عادلانه نزدیک و به این مهم کمک نماید.

برای تدوین ادبیات و پیشینه پژوهش باید گفت آثار مرتبط با حوزه بحث امنیتی اقلیت‌های دینی مسیحی، یهودی و زرتشتی در ایران را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول آثاری که جامعه امنیتی جمهوری اسلامی ایران و یا بخش دانشگاهی و تحقیقاتی یا مستقل کشور با نگاه داخلی در این مورد به نگارش درآورده‌اند. دسته دوم آثاری است که خود این اقلیت‌ها در بیان مشکلات امنیتی که جامعه‌شان با آن مواجه است و به منظور کاستن از تنش و بیان مشکلاتی که بدون دلیل موجه بر آن‌ها تحمیل شده نگاشته‌اند. دسته سوم هم آثاری است که با رویکرد ضد جمهوری اسلامی ایران و عمدتاً در خارج از کشور نوشته شده است.

در زمره دسته اول، احمد شکبیا (۱۳۹۵) در کتاب «بررسی اقلیت‌های قومی و دینی با تأکید بر جامعه ایران»، انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی قابل اشاره است. این کتاب البته در صفحات معدودی به سه اقلیت مسیحی، زرتشتی و یهودی پرداخته و آن‌ها تنها متکی به یکی از جزوات درسی دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی بوده است و حاوی اطلاع چندان دسته اول و عمیقی نیست.

در همین زمینه برخی جزوات در دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی، دانشکده پیامبر اعظم دانشگاه امام حسین و دانشکده علوم و فنون فارابی حفاظت اطلاعات ارتش وجود دارد که به صورت جسته و گریخته به مواردی از مسائل امنیتی این سه اقلیت اشاره کرده‌اند. در برخی کتاب‌های تاریخی حوزه اطلاعاتی مانند خاطرات ارتشبد فردوست (۱۳۸۹) در کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی هم اشاراتی به برخی جنبه‌های اطلاعاتی و امنیتی فعالیت این ادیان به صورت پراکنده‌تر شده است، اما آنچه بیان شده بیشتر حالت گذری و اشاره‌ای بوده است.

هر چند در راستای بحث پژوهش حاضر یعنی علل و زمینه‌های امنیتی شدن اقلیت‌های دینی در پی تحرکات خارجی، متأسفانه کمتر آثاری یافت شد که مستقیماً به این مقوله پرداخته باشد، ولیکن کتاب‌ها و مقالاتی که بسترهای امنیتی شدن موضوعات و پدیده‌ها را به بحث گذاشته‌اند (همچون کتب مربوط به نظریات مکتب امنیتی کپنهاک) و...، قلیل توجه بود که از برخی از آن‌ها در این پژوهش استفاده گردید. در این میان به موارد ذیل اشاره کرد:

بهرام اخوان کاظمی (۱۳۸۶) کتاب امنیت در نظام سیاسی اسلام، اصغر افتخاری (۱۳۹۲) عدالت و امنیت ملی در اسلام، اصغر افتخاری (۱۳۸۲) اقلیت گرائی دینی، طراحی یک چارچوب تحلیلی، محمد جهانی (۱۳۹۲) مقاله تاثیر اقلیت گرائی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، و علی عبدالله خانی (۱۳۸۵) مقاله بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن و مک‌لین لای و لیتل (۱۳۸۰) امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها

در سطح دوم، مسائل امنیتی که این اقلیت‌ها با آن‌ها روبه‌رو بوده و خود آن را از زبان خود بیان کرده‌اند، درک مناسبی از وضعیت امنیتی آن‌ها ارائه می‌کند. بهترین کتاب نوشته شده در این حوزه کتاب «گزارش یک دوران» نوشته هارون یشایایی است. یشایایی که خود یهودی است، در این کتاب ضمن بیان مسائل مختلف مبتلابه یهودیان در جمهوری اسلامی ایران به برخی سوء تفاهمات امنیتی و اطلاعاتی رخ داده میان جامعه یهودی ایران و دستگاه‌های امنیتی کشور و به طور مشخص وزارت اطلاعات پرداخته است.

در سطح سوم، عدم انسجام بیشتری به چشم می‌خورد. با این حال، برخی تحقیقات مستند و منسجم هم وجود دارد که گرچه به صورت اینترنتی منتشر شده‌اند، اما دارای شأن تحقیقی و قابل بررسی هستند. نباید گمان کرد چون این نوشته‌ها از سر عناد با نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی نوشته شده فاقد عناصر آموزنده است. برای نمونه می‌توان به کتاب «یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر» نوشته هما سرشار و از انتشارات مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی، اشاره کرد. از آنجا که توجه یا عدم توجه به اقلیت‌گرائی دینی از جمله مطالب مغفول در نحوه مواجهه با اقلیت‌های دینی می‌باشد، کتاب اقلیت‌گرائی دینی، طراحی یک چارچوب تحلیلی، نوشته دکتر اصغر افتخاری از انتشارات تمدن ایرانی، بسیار راهگشا می‌باشد.

به‌منظور تبیین اهداف و فرضیه‌های پژوهش باید اذعان داشت که در رابطه با زمینه‌های امنیتی شدن اقلیت‌های دینی فقر شدیدی احساس می‌شود. نتیجه این که در شرایط فعلی کثرت نگاه‌ها به مقوله اقلیتی، اختلاف نظرهای قابل تامل در سطح تصمیم‌گیری، منبعث از عدم شناخت کافی از اقلیت‌ها و... موجب بروز رفتارهای متنوع و متناقض با آن‌ها شده است. مواردی مثل حضور یا عدم حضور افراد وابسته به یک اقلیت دینی در شوراهای اسلامی شهر و روستا، ماده مکرر ۸۸۱ و... از این قبیل می‌باشد.

این پژوهش به دنبال آن است که به تصمیم‌گیران و نیز جامعه اکثریت شمائی از وضعیت اقلیت‌های دینی را ارائه دهد. چرا که شناخت نسبی از این اقلیت‌ها، زمینه‌ها و پیشران‌های ورود آنها به حوزه امنیتی و بویژه امنیت ملی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

فرضیه اصلی پژوهش حاضر آن است که مهمترین زمینه برای امنیتی شدن اقلیت‌های دینی مسیحیت، یهود و زرتشت در جمهوری اسلامی از منظر جامعه‌شناسی سیاسی متأثر از قدرت سیاسی حاکم و غیر حاکم، معطوف

به نگاه ایدئولوژیک حاکمیت، تفاسیر متعدد و بعضاً متناقض از حقوق اقلیت‌های دینی و... می باشد که ممکن است اقلیت‌ها را به سمت امنیتی شدن سوق دهد.

روش تحقیق نیز ترکیبی از روش بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و نظرسنجی محدود از نخبگان است.

الف) روش توصیفی - تحلیلی برای علل و زمینه‌های امنیتی شدن اقلیت‌های دینی مسیحیت، یهود و زرتشت از منظر جامعه‌شناسی سیاسی مبتنی بر نگاه قدرت سیاسی حاکم و نیز از لحاظ سیاست‌ابزاری دول متخاصم در قبال اقلیت‌گرا شدن اقلیت‌های دینی مذکور؛

ب) روش تحقیق مصاحبه‌ای با کارشناسان مرتبط با حوزه اقلیت‌های دینی، مبتنی بر تحلیل محتوا در باب علل و زمینه‌های امنیتی شدن اقلیت‌های دینی در ایران؛

ابزار گردآوری اطلاعات: میدانی، کتابخانه‌ای و غیره و مصاحبه بر اساس شاخص‌های تعیین شده.

### • مفهوم‌شناسی و مبانی نظری

**امنیت/ تهدید:** امنیت در بُعد سلبی و در وجه حداقلی، عبارت است از نبود تهدید یا رهایی از آن. در عین حال، امنیت مفهومی پردامنه، متناقض‌نما، زمان‌مند و مکان‌مند است و از این رو، فاقد تعریف عمومی و اجماع صاحب‌نظران درخصوص آن می‌باشد. این امر از آن جهت است که امنیت، عمدتاً مفهومی دو وجهی است. به عبارت بهتر، همانقدر که عینی است، ذهنی نیز هست. (فریدمن، ۱۳۷۵: ۳۱۹).

از سوی دیگر، امنیت، به مثابه شرایط نبود تهدید، وجه ایجابی نیز دارد و بسیاری معتقدند نبود تهدید، شرط لازم و نه کافی تحقق امنیت است و امنیت علاوه بر آن، مستلزم نوعی احساس رضایت و امکان بهره‌گیری از فرصت‌ها است و منوط به تحقق شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و منافع می‌باشد که از آن به «گفتمان امنیت مثبت» نیز یاد می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۰: ۲۵).

**امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران:** برای تعیین شناسه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، می‌بایست دو رویکرد یکتانگار و یکسان‌انگار را ترکیب نمود. در چارچوب رویکرد یکسان‌انگار به نظر می‌رسد، اولاً مسئله امنیت ملی جمهوری اسلامی، عمدتاً مسئله‌ای سیاسی - نظامی است. هجوم نظامی رژیم بعث عراق به جمهوری اسلامی ایران و تهدیدهای نظامی ایالات متحده و متحدینش در منطقه در شرایط کنونی، این گمانه را مشروعیت می‌بخشند. در عین حال، به لحاظ سیاسی نیز نظام جمهوری اسلامی ایران، برآمده از انقلابی است که نظم موجود نظام بین‌الملل را نمی‌پذیرد و نسبت به آن تجدید نظر طلب است. این تجدید نظر طلبی، رژیم سیاسی را با تهدید بقا مواجه کرده است.

ثانیاً، باید پذیرفت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نوعی وابستگی متقابل با مجموعه امنیتی خاورمیانه و به ویژه زیرمجموعه خلیج فارس دارد، به گونه‌ای که امنیت آن را از دیگر مجموعه‌های امنیتی جدا می‌کند. مسائل

مشترک در این مجموعه همچون مذهب، قومیت، الگوهای دوستی و دشمنی، میزان دخالت قدرت خارجی، اختلافات مرزی، آب‌ها و میزان توسعه‌یافتگی، سبب ایجاد علائق مشترک و مشابه امنیتی در میان این مجموعه شده و این علائق به قدری است که امنیت ملی هر یک از کشورها و شناسه‌های آن را نمی‌توان جدا از دیگران ملاحظه کرد.

ثالثاً این وابستگی متقابل نشان می‌دهد، همچون دیگر کشورهای منطقه، جمهوری اسلامی ایران می‌بایست تهدید نسبت به رژیم سیاسی، تهدید نسبت به تمامیت ارضی و تهدید نسبت به انسجام اجتماعی خود را در زمره شاخص‌های امنیت ملی و سنجش آن به حساب آورد.

در چارچوب رویکرد یکتانگار نیز باید پذیرفت که جمهوری اسلامی در عین حال نظامی است با ویژگی‌های یگانه که آن را از دیگر کشورهای عضو مجموعه امنیتی خاورمیانه مجزا می‌کند. برای مثال، باید اشاره کرد که مرکز ثقل مفهوم امنیت در جمهوری اسلامی ایران، عقیدتی-فرهنگی است و این ویژگی‌ای است که دیگر کشورهای منطقه فاقد آن هستند. به بیان دیگر، تهدید ایدۀ دولت در جمهوری اسلامی، یعنی اسلام به مثابه مکتب، به منزله تهدید وجودی آن به شمار می‌رود؛ چراکه اگر این ویژگی از جمهوری اسلامی گرفته شود، تفاوتی با دیگر نظام‌های سیاسی منطقه نخواهد داشت. به این معنا، جمهوری اسلامی نه نظامی‌گراست همچون رژیم‌های برآمده از کودتا، نه صرفاً سیاسی و مبتنی بر قدرت‌طلبی گروهی خاص است و نه مناسبات و گرایش‌های اقتصادی آن را شکل داده است. از سوی دیگر، ایران به لحاظ ظرفیت‌های طبیعی و در نتیجه روندهای تاریخی، کشوری خودیار<sup>۳</sup> به ویژه هنگام بروز تنگناها و معضلات امنیتی است و نباید به همیاری دیگر بازیگران امید داشته باشد. در واقع، ظرفیت ترکیب منطقه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران به دلیل تفاوت‌های قومی-مذهبی و همچنین دخالت‌های خارجی و الگوهای دوستی و دشمنی بسیار پائین است و جمهوری اسلامی امکان اندکی برای ائتلاف یا اتحاد در سطح منطقه‌ای دارد. این در حالی است که دیگر کشورها و بازیگران منطقه‌ای از این امکان برخوردارند (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۱۵۳).

همچنین، جمهوری اسلامی ایران کشوری است که همه اقلیت‌های قومی آن مرز نشین هستند و گروه قومی مشابه خود را در آن سوی مرز می‌یابند و از این رو، برخی گروه‌های تجزیه طلب می‌توانند محمل و مجرای برای تهدید تمامیت ارضی باشند؛ همچنانکه اقلیت‌های دینی آن نیز به سبب ارزش حیاتی رسمیت دین مبین اسلام به مثابه کانون مرجع امنیت جمهوری اسلامی، ممکن است موضوع طمع دشمنان در راستای تحركات ضد امنیتی قرار گیرند. این ویژگی نیز ملاحظات خاصی را برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران جدای از امنیت ملی

۳. Self- help

دیگر کشورهای عضو این مجموعه امنیتی ایجاد می‌کند. این ویژگی‌های یگانه سبب می‌شوند مفهوم رژیم سیاسی، تمامیت ارضی و انسجام اجتماعی در ایران با دیگر کشورهای منطقه متفاوت باشد.

**اقلیت:** در تعریف اقلیت، عدم اجماع کمتری نسبت به سایر مفاهیم علوم اجتماعی ملاحظه می‌شود؛ زیرا تعاریف موجود در این عرصه بسیار نزدیک به هم هستند. از همه مشهورتر، تعریف کاپوتوریتی<sup>۴</sup> است که اقلیت را عبارت می‌داند از «گروهی که در حاکمیت شرکت نداشته و از نظر تعداد، کمتر از بقیه جمعیت کشور باشند و اعضای آن در عین حالی که تبعه آن هستند، ویژگی‌های متفاوت قومی، دینی یا زبانی با سایر جمعیت کشور دارند و دارای نوعی حس وحدت منافع و همبستگی در جهت حفظ فرهنگ، آداب و رسوم، مذهب یا زبان خود هستند» (ترنبری، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۲) (خوبروی پاک، ۱۳۸۰: ۱۲۳). آنچه از این تعریف هویدا می‌شود، تنوع هویت و هویت‌یابی<sup>۵</sup> در میان گروه‌های اقلیت است.

آنتونی گیدنز معتقد است اقلیت بیش از آنکه مفهومی عددی باشد، مفهومی جامعه‌شناختی است و در واقع، گروهی است که واجد ویژگی‌های جامعه‌شناختی زیر باشد:

۱. اعضای آن از آن رو که از سوی دیگران مورد تبعیض واقع می‌شوند، در وضع نامساعدی قرار دارند.
  ۲. اعضای آن نوعی حس همبستگی گروهی، یعنی احساس تعلق به یکدیگر دارند که ناشی از حس هم‌بختی مشترک ناشی از تحت تبعیض قرار گرفتن است که علائق مشترک را افزایش می‌دهد و موجب می‌شود آنها خود را همچون گروهی جدا از اکثریت بشناسند.
  ۳. این گروه‌ها، معمولاً تا اندازه‌ای از نظر فیزیکی و اجتماعی، از اجتماع بزرگتر جدا هستند. آنها معمولاً در محلات، شهرها یا مناطق معینی از کشور متمرکزند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۲۹۱).
- انواع اقلیت‌ها را می‌توان در یک تقسیم‌بندی به سه گروه مذهبی/دینی، فرهنگی و قومی تفکیک کرد. مقصود از اقلیت فرهنگی، غالباً گروهی اجتماعی است که سبک زندگی متفاوتی نسبت به اکثریت دارد و تفاوت آن با گروه اکثریت لزوماً زبانی یا مذهبی نیست. بومیان استرالیا و کولی‌ها در اروپا را می‌توان در این زمره دانست. اقلیت قومی نیز عمدتاً به گروهی اطلاق می‌شود که در درون کشوری به سر می‌برند که دولت آن تحت سلطه قوم دیگری است. کردها در سوریه و ترک‌ها در بلغارستان در این چارچوب تعریف می‌شوند (گودرزی، ۱۳۸۵: ۷۲).

#### • یافته‌های پژوهش

وضعیت کلی مسیحیت در ایران:

۴. Capotriti

۵. Identification

مسیحیان بزرگ‌ترین اقلیت دینی قانونی ایران هستند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ شمار آنان صد و سی هزار نفر بوده است. با این حال باید گفت بخش بزرگی از جمعیت مسیحی ایران، یعنی ارامنه و آشوریان، بعد از پیروزی انقلاب از کشور مهاجرت کرده‌اند. پراکندگی مسیحیان ایران بسیار بیشتر از پیروان دو دین دیگر است. به طوری که حسب یک برآورد، تعداد ۶۰۰ کلیسا در ایران وجود دارد. (هوسپیان، ۱۳۸۳)

در مورد مسیحیت قانونی، مسائل این بخش از مسیحیان که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان دین قانونی به رسمیت شناخته شده‌اند در مواردی مانند ارث، قصاص و دیه با ادیان غیر اسلامی دیگر یکی است. در حقیقت نظام مسائل این گروه با دیگر ادیان غیر اسلامی مشابهت بسیار دارد.

برخلاف دو مذهب مسیحی کاتولیک و ارتدکس، جریان مسیحیت نو یا پروتستان کوشش می‌کند از میان مسلمانان پیروان جدید جذب کند و ماهیتی پرتنش و حاشیه داشته است. کوشش هیئت‌های تبلیغی مسیحی برای گرویدن ایرانیان مسلمان به مسیحیت از چند قرن قبل آغاز شد. در ایران معاصر و از دوره قاجار، این کوشش افزایش بیشتری یافت. با این حال توفیقات هیئت‌های تبلیغی که عمدتاً از آمریکا، بریتانیا و فرانسه بودند بسیار اندک بود. ترس از واکنش تند علما و مردم متدین و قاطعیت در برخورد با ارتداد سبب می‌شد پروژه مسیونری در ایران چندان موفق نباشد. با فعالیت همین هیئت‌ها بود که کلیساهای وابسته به پروتستان در ایران شکل گرفت؛ حال آنکه ارامنه ایرانی، عضو کلیسای حواری ارمنی (کلیسای گریگوری) بودند که فقط به ارمنیان تعلق دارد و اعضای آن فقط افرادی هستند که ارمنی متولد شده‌اند. کلیسای کاتولیک از سده ۱۷ میلادی بر اثر فعالیت مسیونرهای اروپایی در میان ارامنه شکل گرفت و بعداً کلیسای ارمنیان پروتستان یا کلیسای انجیلی ارمنی، کلیسای آدونتیس‌های ارمنی (یا شنبه داران)، ارمنیان کاتولیک کارملیت، کلیسای جماعت ربانی و جماعت برادری و کلیسای شاهدان یهوه هم توانستند اندک اقبالی در میان ارامنه بیابند. در مقابل، آشوریان پیرو دو کلیسای کاتولیک و نستوری هستند.

باید گفت اقلیت مسیحی ارمنی و آشوری، نسبت به خود بیشتر یک تلقی قومی دارند تا یک تلقی مذهبی؛ به این صورت که برای ارامنه مسائل ارامنه در دیگر نقاط جهان و برای آشوریان هم به همین شیوه مسائل هم تباران خود اهمیت دارد. برای ارامنه، مورد مشخص کشور ارمنستان و نسل‌کشی ارامنه به دست عثمانی در ۲۴ آوریل ۱۹۱۵ اهمیت دارد.

از دوران پهلوی دوم، فعالیت مسیحیت تبلیغی و تبشیری (پروتستان)، برای جذب پیروان جدید از میان مسلمانان افزایش یافت. این کوشش به خصوص در برخی مناطق روستایی دورافتاده ایران آغاز شد تا از ناحیه بهره‌برداری از فقر مردم دهات، بتوانند افرادی را به دیانت عیسوی جذب کنند. با آنکه در همان دوران شبنامه‌هایی در اغراق در مورد فعالیت مسیحیان نوآیین در ایران منتشر می‌شد و کوشش می‌شد خطر فعالیت آنان به مراجع شیعه



گوشزد شود، با این حال امام خمینی (ره) با هوشیاری دریافتند که ممکن است چنین جوسازی‌هایی بخشی از پروژه امنیتی رژیم شاهنشاهی برای منحرف کردن مبارزه مردم و روحانیت با رژیم شاه باشد و از همین رو ضمن تأکید بر هوشیاری در این مورد، از وارد شدن به بازی و سناریوی مزبور خودداری کردند. (عزت شاهی، ۱۳۸۴).

نمایان‌ترین نمود این گرایش به مسیحیت، مسیحی شدن شمس پهلوی خواهر شاه و شوهرش عزت الله مین باشیان موسوم به مهرداد پهلبد، موسیقی‌دان و وزیر فرهنگ حکومت طاغوت (۱۳۴۳-۱۳۵۷) بود. این دو نه فقط مسیحی کاتولیک شدند بلکه سه فرزند خود را هم مسیحی کاتولیک کردند و یک کلیسای اختصاصی در کاخ خود (کاخ مروارید) ساختند و برای دیدار با پاپ اعظم بارها به ایتالیا و واتیکان سفر کردند. گفته می‌شود ثریا اسفندیاری، همسر شاه و ملکه دوم ایران قبل از فرح هم بعد از طلاق از شاه و خروج از دربار سلطنتی، به دیانت عیسوی درآمد.

در این دوره، کلیساهای پروتستان به خصوص کلیسای انگلیکان، اقدام به افزایش فعالیت خود به خصوص در زمینه بهداشتی- درمانی، خیریه و آموزشی کردند و همین افزایش فعالیت‌ها سبب شد از فردای پیروزی انقلاب اسلامی، میان مردم مسلمان و سرکردگان فعالیت‌های مزبور تنش و درگیری رخ داد.

#### ظرفیت تأثیرگذاری مسیحیت در ایران:

گرچه بخش عمده اقدامات جریان تبشیری (پروتستان‌تیزم) هنوز آن طور که از اهداف این جریان می‌باشد ثمر نداده و بعید هم هست در جامعه ایران به سبب تغییرات گفتمانی نسبت به مذهب، تحول دینی مهمی ایجاد کند، با این حال این روند در دو جهت خطرات امنیتی برای کشور در پی دارد. یکی افزایش شمار مسیحیت نوکیش و فارسی‌زبان که ممکن است یک بلوک اجتماعی قدرت در درون جامعه ایرانی پدید آورد و البته با گسترش روابط افقی و عمودی در جامعه ایران، یک کیش نسبتاً نیرومند در ایران گردد. دومین خطر، بسط گسترش حضور نمادها و مراسم مسیحی در جامعه ایران است.

ظرفیت تأثیرگذاری جریان مسیحی در میان نخبگان سیاسی و اجتماعی ایران به گونه دیگر ارزیابی می‌شود ولیکن استراتژی این جریان قبولاندن موجودیت خود و به رسمیت شناخته شدن نزد افکار عمومی ایرانیان است.

#### فرصت‌های کلی مسیحیت در ایران:

می‌توان به گفتن این نکته خطر کرد که جریان مسیحی نوکیش واجد هیچ فرصت امنیتی برای کشور نیست. این جریان نه دارای فواید اقتصادی برای کشور است و نه آنکه می‌توان از آن برای نظام و کشور برندسازی کرد. ماهیت و ذات جریان مزبور، یک جریان ضد اسلامی و مابین با وجود ایران و هویت ایرانی است و از یک منطق صفر و یکی پیروی می‌کند که در هیچ حالتی نمی‌تواند چیزی جز یک موجودیت مسیحی باشد. این جریان به سبب ماهیت گفتمانی خود، خواستار انحلال همه چیز در دیانت مسیحی برداشت انحرافی و سیاسی خود است.

یهودیان ایران به رغم شمار بسیار کم خود، در زمره اقلیت‌های بسیار تأثیرگذار تاریخی بوده‌اند. فعالیت یهودیان در اموری مانند بازرگانی (به ویژه منسوجات، فرش، اشیای عتیقه و هنری، فلزات گران بها و املاک)، هنر (به خصوص موسیقی) و بهداشت و درمان (پزشکی، مامایی و داروسازی) متمرکز بوده است. ترکیب سطح نسبتاً بالاتری از ثروت با آموختن علم و نیز ارتباطات بین‌المللی قابل توجه، موقعیتی خاص به این جامعه بخشیده بود. (برآوردیان، بی تا)

جامعه یهودی در ایران، بر خلاف جامعه یهودی در اغلب کشورهای عربی و اسلامی که در حفظ فاصله خود با جامعه اکثریت کوشش داشتند، با جامعه ایرانی (به خصوص در دوره متأخر و عصر پهلوی اول و دوم) بدون مشکل بودند و ارتباطات وسیعی داشتند. بخشی از این روابط تا حد زیادی حسنه، به روحیه خود یهودیان مربوط بود که حُسن سلوک با جامعه اکثریت را برگزیده بودند و بخش دیگر هم برآمده از این واقعیت بود که امکان گرویدن به دیانت یهودی، تا حد زیادی ناممکن است. به عبارت بهتر، امکان یهودی شدن تنها با تولد از مادر قابل دستیابی است. وانگهی اساساً جامعه یهودی در هیچ برهه‌ای از حیات خود و در هیچ جایی از جهان، مانند اسلام یا مسیحیت، یک دیانت باز نبوده که آغوشش برای گروندگان جدید باز باشد؛ بلکه ماهیتی اساساً خونی و ارثی دارد و بر ادامه طبیعی یک قوم مبتنی است. (زند، ۱۴۰۰)

تحرك سیاسی و اجتماعی یهودیان ایران با انقلاب مشروطه فزونی قابل توجهی گرفت. این افزایش تحرك، هم به سبب فضای فکری جدید و تلقی نوینی بود که ایده «حقوق شهروندی» برای همه ایرانیان ایجاد کرده بود و هم برآمده از افزایش ارتباطات خارجی یهودیان ایران با یهودیان دیگر کشورها به خصوص در اروپای غربی. از اواسط دوره قاجار، هم یهودیان ثروتمند اهل اروپای غربی و هم دولت‌هایی مانند بریتانیا و ایالات متحده، از دولت ایران می‌خواهند تا از حقوق اتباع یهودی خود دفاع کرده و از آن‌ها در برابر حملات متعصبین محافظت کنند. برای نمونه می‌توان سفر ناصرالدین شاه به بریتانیا را مثال زد که در آن سفر یکی از اعضای خانواده روچیلد از او می‌خواهد شرایط آسودگی اتباع یهودی ایران را فراهم کند. (حسین آبادیان، ۱۳۸۹)

با آغاز دوره پهلوی دوم، جایگاه یهودیان در اقتصاد ایران به میزان هرچه بیشتری ارتقا یافت و نفوذ سیاسی آنان در داخل کشور هم افزایش بیشتری پیدا کرد. یهودیان ایرانی توانستند در داخل و خارج ایران به افرادی ثروتمند بدل شوند. شکاف اصلی از همین زمان رخ داد. با تشکیل رسمی رژیم صهیونیستی، جامعه مسلمان ایران هم به آن واکنش نشان داد. بخشی از جامعه یهودی ایران که عمده‌تاً فقیر بودند از پیش و پس از تأسیس رژیم صهیونیستی به فلسطین مهاجرت کرده بودند اما بخش عمده و برخوردار این جامعه چنین نکردند. دلیل ساده بود: آنان مانند هم‌دینان تحت فشار خود در اروپای زمان جنگ دوم جهانی یا کشورهای عربی، تحت سرکوب

نبودند که بخواهند ایران را ترک کنند؛ وانگهی بهره‌مندی مادی آنان هم مانع می‌شد که بخواهند زندگی آسوده در ایران را با شرایط سخت و جنگی زندگی جدید در فلسطین اشغالی جایگزین کنند.

با پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و رژیم صهیونیستی به سرعت قطع و به روابطی خصمانه بدل شد. ترس یهودیان ایران این بود که ممکن است به خاطر حمایت از رژیم صهیونیستی مورد غضب جمعی قرار بگیرند. اما امام خمینی (ره) با ایجاد تفکیک میان صهیونیسم و دین یهود، مردم یهودی را تحت امان حکومت اسلامی و دارای کلیه حقوق شهروندی معرفی کرد. البته از چند ماه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، جامعه یهودی ایران با پیش‌بینی وقوع و پیروزی قطعی انقلاب، تماس‌هایی با رهبری انقلاب و نیز سایر جریان‌های اسلامی انقلاب برقرار کرده بود. به روایت کتاب «تروعا: یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر»، دو شاخام سرشناس و رهبری دینی یهودیان ایران، یوسف همدانی کهن و یدیدیا شوفط، از پاییز ۱۳۵۷ با امام خمینی (ره) تماس‌هایی برقرار کرده بودند و امام آنان را از امنیت جامعه یهودی مطمئن ساخته بود. (سرشار، ۱۳۷۵)

در دوران جنگ تحمیلی، یهودیان باقی‌مانده در ایران به قدر وسع خود در جنگ مشارکت نمودند. تعدادی از آنان در جبهه به شهادت رسیدند و یا به مقام جانبازی نائل گشتند. همین‌طور انجمن‌های یهودی ایرانی، اقدام به اعطای کمک‌های خود به جبهه‌ها نمودند.

### ظرفیت تأثیرگذاری یهودیان ایران:

باید گفت شمار بسیار کم جمعیت این جامعه آن را عملاً از گردونه تأثیرگذاری خارج کرده است. برآورد نماینده یهودیان در مجلس شورای اسلامی، آن است که تنها هشت هزار یهودی در ایران باقی مانده‌اند. (به طور دقیق‌تر ۸۳۰۰ تا ۸۵۰۰ یهودی). بخش عمده این افراد نیز بسیار سالخورده و پیر هستند. جمعیت ایرانیان یهودی در خارج از کشور همچنان قابل توجه است: در فلسطین اشغالی بین ۲۰۰ هزار تا ۲۵۰ هزار نفر و در ایالات متحده ۶۰ هزار تا ۸۰ هزار نفر است. البته استحاله زبانی و فرهنگی این عده و گسیختن بخش عمده آن‌ها از ایران و فرهنگ ایرانی (اعم از دانستن زبان فارسی و سایر عادات و رسوم و معلومات مشترک ایرانی) در نسل‌های بعدی چشمگیرتر است.

مسئله کاهش شدید جمعیت یهودیان ایران از دیدگاه بخشی از این جامعه که خواستار باقی ماندن در کشور است یک تهدید و مسئله است. البته تحلیل این بخش از یهودیان در این مورد تا حدی متفاوت است. در بیانیه‌ای که انجمن کلیمیان تهران در این باره در اردیبهشت ۱۳۷۹ منتشر کرده بود کاهش شدید جمعیت یهودی ایران را به مسئله مهاجرت پیوند زده بود. به باور این نوشته، مهاجرت از ایران گرچه یک روند رو به تزاید در میان نخبگان است اما «این پدیده متأسفانه در جامعه کلیمیان ایران نمایش مشخص‌تری دارد و به اعتبار تاریخی کلیمیان لطمه وارد می‌آورد.» نویسنده گرچه تشکیل رژیم صهیونیستی و تشویق‌های آن برای مهاجرت و فشارهای ناشی از

تشکیل این رژیم بر یهودیان را مهم ارزیابی کرده بود اما به باور وی: «بررسی اجمالی نشان می‌دهد انگیزه‌های مهاجرت در میان کلیمیان عموماً جدا از سایر هم‌وطنان خود نیست، به طور مثال در مورد فارغ‌التحصیلان سطح بالا مشکل تکمیل تحصیلات تخصصی و در نهایت کاریابی و اشتغال اولین انگیزه اقدام به مهاجرت است. بحران موجود اقتصادی در کشور، نامشخص بودن ضوابط اقتصادی و اجتماعی، از جمله عللی است که موضوع مهاجرت را در میان کلیمیان ایران به یک معضل اجتماعی تبدیل کرده است. (یشایایی، ۱۳۷۹)

### رفتارهای ضد امنیتی یهود:

در حوزه امنیتی از روی برخی قرائن می‌توان به گفتن این نکته خطر کرد که رژیم صهیونیستی، تمایلی به بهره‌جستن از یهودیان ایران ندارد. یهودیان ایرانی نیز رغبتی برای همکاری با رژیم صهیونیستی ندارند. به طور کلی، مسئله جایگاه رژیم صهیونیستی در منظومه اعتقادی یهودیان ایرانی یک سؤال عمده امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران بوده است. تردیدی نیست که اکثریت یهودیان ایران، از تشکیل رژیم صهیونیستی در زمان خود خوشحال بوده و با مهاجرت، کمک مالی و سرمایه‌گذاری از آن حمایت کردند. اما باید گفت به نظر می‌رسد پروژه صهیونیسم در مورد یهودیان ایران تقریباً به سرانجام رسیده است. به نظر می‌آید اقلیت یهودی ایرانی از نظر اقدامات آشکار و اقدامات پنهانی و جریان‌سازی امنیتی، هیچ اقدام مضره‌ای انجام نداده و نمی‌دهد. این اقلیت به سبب بسته بودن دین یهودی و عدم تبلیغ و نیز کاهش جمعیت و مهاجرت امکانی برای قدرتمند شدن به عنوان جریان خاص و ایجاد تغییر جمعی دین یا ایجاد گروه فشار و تغییر بافت جمعیتی کشور ندارد. پیروان دیانت یهودی در ایران تمایل یا توانی برای تقلیل‌سازی با نظام ندارند و آنچه هم تا کنون به عنوان اعتراض به برخی رفتارها کرده‌اند حالت واکنشی و قانونی داشته است.

### وضعیت کلی زرتشت در ایران

اقلیت زرتشتی در ایران در حال حاضر جمعیتی برابر با ۲۳۱۰۹ نفر (مطابق با سرشماری سال ۱۳۹۵) دارد؛ این جمعیت روند رو به افول و کاهشی داشته است که دلیل عمده آن یکی مهاجرت به خارج از کشور و دیگری نرخ پایین توالد و تناسل در میان این اقلیت همچون دیگر بخش‌های مردم ایران است. جمعیت زرتشتیان در سال ۱۳۹۰ برابر با ۲۵۲۷۱ نفر بود که این رقم نشانگر کاهشی ۲.۱ درصدی در جمعیت این اقلیت است. (مرکز آمار، ۱۳۹۵)

زرتشتیان ایران به طور عمده در استان‌های یزد و کرمان متمرکز هستند و سپس در استان‌های تهران، فارس، اصفهان، خوزستان و خراسان حضوری پراکنده دارند. به سبب تجربیات تاریخی و سابقه ذهنی انباشتی، این اقلیت دینی، به نسبت با اقلیت مسیحی و یهودی، تعامل بسیار کمتری با جمعیت مسلمان داشته‌اند. یک دلیل تفاوت در کیفیت رابطه میان زرتشتیان با اکثریت مسلمان در جامعه ایران، شاید به محتوای اعتقادی این دین هم

مرتبط باشد زیرا در حالی که یهودیت و مسیحیت در زمره ادیان ابراهیمی هستند دین زرتشتی چنین نیست و از این رو ارتباطی هم با اسلام ندارد. از نظر آموزه‌های الهیاتی هم، اعتقادات زرتشتی زاویه و فاصله بیشتری نسبت به اسلام در قیاس با دیگر ادیان ابراهیمی دارد.

از نظر تاریخی، نحوه تعامل زرتشتیان با جامعه مسلمان ایرانی، تا حدی همپای تجربه دیگر اقلیت‌های دینی بوده است. فشارها و سختی‌هایی که بعضاً بر این اقلیت در مورد اشتغال، تردد و حقوق مدنی وارد می‌شد با انقلاب مشروطه کاهش قابل توجهی داشت. مطالبه اصلی آنان در دوره قاجار و سپس اوایل دوره پهلوی حول دو محور عمده ممانعت از اجبار به تغییر دین زرتشتیان به اسلام و نیز حفاظت از مایملک آنان بود.

زرتشتیان در روند انقلاب اسلامی و سپس جنگ تحمیلی مشارکت داشتند و شهادی را هم چه به عنوان نیروی کادر ارتش و چه نیروی وظیفه تقدیم نمودند. با این حال از همان آغاز پیروزی انقلاب، روند مهاجرت بخشی از زرتشتیان (به خصوص بخش ثروتمند و متخصص آن) به خارج از کشور و عمدتاً آمریکا و اروپا آغاز شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای در سال ۱۳۷۵ در دیدار با جمعی از شرکت‌کنندگان در ششمین همایش جهانی زرتشتیان، طی سخنانی تولد آیین زرتشت در ایران را به عنوان یکی از ادیان آسمانی مایه فخر و مباهات ملت ایران دانستند و از استقلال، سربلندی، عزت، نامداری و پرتحرک بودن ایران در عرصه‌های جهانی به عنوان دستاوردهای مهم نهضت عظیم اسلامی برای پیروان ادیان گوناگون در ایران یاد کردند. ایشان به زندگی توأم با صفا و صمیمیت پیروان ادیان الهی در ایران اشاره کردند و فرمودند: در میان پیروان ادیان گوناگون، زرتشتیان از جهات مختلف پیوند و نزدیکی بیشتری با مسلمانان دارند. اسلام رسمیت دین زرتشت را پذیرفته است و ملت ایران زرتشتیان را در هر نقطه‌ای از جهان که زندگی می‌کنند در زمره هم‌میهنان خود محسوب می‌کنند. (khamenei.ir. ۱۹۹۶)

### ظرفیت تأثیرگذاری زرتشتیان ایران

باید گفت اقلیت زرتشتی فاقد ظرفیت تأثیرگذاری چندانی در حوزه امنیتی در ایران است. این اقلیت از نظر جمعیتی رو به فطرت و نزول جدی است و مشکلات مربوط به ازدواج و یافتن همسر برای پیروان آن به یک مشکل بسیار جدی بدل شده است. به جز آن، مهاجرت و کهولت سن، این روند نزول جمعیتی را تشدید کرده است. از نظر اقتصادی در دوره بعد از انقلاب هم این اقلیت توان خود را تا حد زیادی از دست داده است و در مناسبات اقتصادی داخلی ایران محلی از اعراب ندارد. گرچه ثروتمندان زرتشتی در هند و بریتانیا وجود دارند، اما پیوند اقتصادی میان آنان و اقلیت زرتشتی داخل ایران به صورت ارگانیک و مؤثر وجود ندارد. از همین رو اقلیت زرتشتی فاقد توان و ظرفیت اثرگذاری در حوزه اقتصادی کشور هستند.

اقلیت زرتشتی به سبب ماهیت ایرانی و اصیل خود تهدیدی برای ثبات سیاسی و تمامیت ارضی ایران نبوده است؛ موردی از ارتکاب به اقدام مسلحانه و تروریسم هم از سوی آنان وجود نداشته است. پیوندهای خارجی بسیار محدودتر دیانت زرتشتی هم سبب شده تا ارتباطات خارجی این دیانت بسیار اندک باشد. گرچه دو دولت انگلستان و هند ارتباطات گرمی با پیروان دین زرتشتی (پارسیان) دارند اما دقت در روابط میان زرتشتیان ایران در خارج و پارسیان از آن حکایت دارد که پارسیان عملاً تا حد زیادی هویت ایرانی خود را از دست داده‌اند حال آنکه زرتشتیان ایران، با ایرانیان غیر هم دین خود راحت‌تر هستند تا با هم‌کیشان پارسی خویش.

### رفتارهای ضد امنیتی زرتشتیان

باید گفت پتانسیل و ظرفیت دین زرتشتی و پیروانش برای اجرای اقدامات و رفتارهای ضد امنیتی بسیار اندک است. این دین و پیروانش توانی برای انجام اقدامات آشکار ضد امنیتی ندارند و به نظر هم نمی‌آید خود پیروان این دین تمایلی برای اقدامات ضد امنیتی مانند تبلیغ دین، ارتباط با بیگانه و مانند آن داشته باشند. در مورد اقدامات پنهان و جریان سازی هم اینکه بتوان به وجود اماره و قرینه‌ای در مورد یک حرکت تبلیغی زرتشتی نیرومند اشاره کرد ممکن نیست. ارزش امنیتی موضوعات این چنینی به نظر چندان جدی و بالا نیست و بیشتر با مسائل انفرادی و غیرشبکه‌ای مواجه هستیم.

### ارتباط گفتمان ایران شهری، سلطنت‌طلبی جدید، باستان‌گرایی و دیانت زرتشتی

یکی از نگرانی‌هایی که در سال‌های اخیر در جامعه امنیتی جمهوری اسلامی ایران پدید آمده است نسبت میان گفتمان ایران شهری، جریان سلطنت‌طلبی جدید و دیانت زرتشتی است. جریان سلطنت‌طلبی جدید به خصوص بعد از شعارهایی که در ناآرامی‌های مختلف بعد از سال ۱۳۹۶ سر داده می‌شد و نیز حسب برخی افکارسنجی‌ها، شاهد نوعی احیا و کسب جذابیت در میان اقشاری از مردم و به خصوص گونه‌ای از جوانان بوده است. با این حال باید دانست این جریان، به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی از دو جریان ایران شهری و دیانت زرتشتی کاملاً جدا است و نمی‌توان نسبتی میان آن‌ها برقرار کرد. بنابراین نسبت‌دادن و مرتبط کردن این جریانات با دین زرتشتی صحیح به نظر نمی‌رسد.

- علل و زمینه‌های امنیتی شدن اقلیت‌های دینی در پی تحریکات داخلی معطوف به نگاه ایدئولوژیک حاکم (اکثریت مردم و جامعه) در پی تفاسیر متعدد و بعضاً متناقض از حقوق

### اقلیت‌های مذکور

اقلیت‌های دینی شناخته در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شامل مسیحیت، یهود و زرتشت می‌باشند، این اقلیتها در طول تاریخ با صحت و سلامت، زندگی مسالمت آمیزی را کنار هم تجربه نموده اند.

البته این قاعده و ممکن است استثناهایی هم در تاریخ به چشم بخورد که تعداد آنها به اندازه‌ای قلیل است که به چشم نمی‌آید. چرا که همواره از هر دوطرف افراطیونی بوده و یا هستند که وضع موجود را به نفع خود ندیده و خواستار برهم زدن آن بوده‌اند. قطعاً اقلیت‌های دینی از برخی موارد که در آینده خواهد آمد رنج برده و خواهان اصلاح آنها می‌باشند ولی تا کنون به گونه ای نبوده که بخواهد چالش جدی ایجاد نماید.

در راستای بررسی علل و عوامل زمینه‌های امنیتی شدن موضوع اقلیت‌های دینی در جمهوری اسلامی ایران، برخی کارشناسان و متخصصان امر به ذکر نظرات خود پرداخته اند که در این فصل عامل یا عوامل داخلی مرور خواهد شد.

در این رابطه خانم رستم آبادی رئیس گروه مسیحیت کاتولیک و یهودیت مرکز گفتگوی ادیان و فرهنگ ها و دانشجوی دکترای الاهیات مسیحی دانشگاه ادیان، معتقد است از جمله موارد داخلی که نگاه اقلیت‌ها به نظام را به سمت بدبینی و یا حداقل نگرانی می‌کشاند عبارتند از :

- عدم پذیرش پیروان ادیان غیر مسلمان در ایران به عنوان شهروند ایرانی مانند دیگر شهروندان از سوی حاکمیت. از جمله مواردی که حس شهروند درجه دوم را به ایشان منتقل می‌کند، استفاده از واژه اقلیت، برای پیروان سایر ادیان ایرانی است. چنانچه خانم آیدا آوانسیان (عضو شورای خلیفه گری ارامنه تهران) که در نشست گفتگوی ادیان صراحتاً اظهار داشت: «باید به ما اقلیت‌های دینی خطاب شود ایرانیان مسیحی، یا ایرانیان آشوری و... و نه اقلیت دینی مسیحی یا...»؛
- مصداق دیگر، نگرانی پیروان اقلیت‌های دینی، اختصاص جایگاه مشاور یا دستیار رئیس جمهور درد امور اقلیت‌های دینی است. در نگاه اول شاید این موضوع بسیار جالب به نظر برسد. حاکمیت فکر می‌کند که با این کار خدمت بزرگی به اقلیت‌ها نموده است، در حالی که به اذعان خود اقلیت‌های دینی، با این کار، دولت ثابت کرده ما شهروند درجه دو هستیم و نگاه شهروند ایرانی همانند دیگر شهروندان به ما وجود ندارد؛
- مجدداً تاکید و اظهار مداوم پیروان ادیان در اجلاس‌های مختلف دینی بر جمله ای با این مفهوم «ما ایرانیان مسیحی، ما ایرانیان کلیمی، ما ایرانیان زرتشتی»، آن‌ها با به کار بردن این نوع واژه‌ها

هدفی جز این ندارند که نگاه مردم و حاکمیت را نسبت به خود از یک اقلیت به عضوی از اکثریت ایرانی جامعه ایرانی تغییر دهند.

- از جمله موارد مهم بروز بی اعتمادی اقلیت‌های دینی به حاکمیت، نگاه ابزار گونه و مناسبتی به آنان است. برای مثال برخی معتقدند در ایام برگزاری مناسبت‌های مختلف از پیروان سایر ادیان نیز دعوت می‌شود تا همزیستی مسالمت آمیز با و رضایت آنان به نمایش گذاشته شود و بعد از مراسم و در مواقع عادی به فراموشی سپرده می‌شوند.

- موضوع مهم دیگری که عصبانیت پیروان ادیان، هم بدنه و هم سران آنها را بوجود آورده است، عدم التزام روز افزون برخی شهروندان و مسلمانان به آداب و اخلاق اسلامی، و بروز ناهنجاری‌ها در جامعه و سپس نشانه رفتن انگشت اتهام به سمت اقلیت‌های دینی به عنوان دامن زندگان به ناهنجاری‌های اجتماعی مثل کشف حجاب و غیره می‌باشد. ایشان معتقد است، این موضوع عاملی برای نگاه منفی پیروان ادیان به مسلمانان و زمینه‌ای مستعد برای ایجاد آسیب از سوی فرد اقلیت می‌باشد. (رستم آبادی، ۱۳۹۹)

آقای نورمحمدی، دیگر متخصص ادیان غیر اسلامی چنین نظر داده است:

با نگاه به تاریخ از صدر اسلام، بدبینی به اقلیت‌های دینی وجود داشته و به جرات می‌توان گفت مقصر در تغییر و افزایش بدبینی، عمدتاً برخی از اقلیت‌ها بوده و در مورد هر اقلیت توجه به آنها حائز اهمیت می‌باشد.

**یهود:** بدبینی به این قوم بیش از بقیه می‌باشد، یهود در قرآن کریم خود قصلیست که همواره پژوهش‌گران و مفسرین با دقت به آن نگرسته‌اند. از جمله قرار گرفتن نام یهود در کنار منافقین به عنوان دشمن‌ترین، تعهدات متقابل مسلمانان بعد از هجرت به مدینه با یهودیان بومی و پیمان شکنی آنان و...، ماجرای خیبر و برخورد سخت‌گیرانه حضرت رسول (ص) با آنان به دلیل خیانت‌هایشان، روشن است. گرچه علما و متدینینی یهودیان را یک دست ندیده و برخی با دعوت مردم به رعایت شرع و اخلاق مانع از آزار یهودیان می‌شدند، اما هم اینان توسط عناصر و گروه‌های تندرو متهم شده و چه بسا تبار آنان را به دلیل این نوع نگاه، یهودی قلمداد کرده و برچسب «جدیدالاسلام» می‌خوردند. لذا در چنین مواقعی مجبور به عقب نشینی و سکوت شده و دست‌تندروها در این عرصه بازتر بود.

یهودیان متمول ضمن نفوذ در دستگاه‌های دولتی خود را مجاز به بهره‌برداری از هر ترفندی برای غلبه بر مسلمانان می‌دانستند و دستگاه قضا و حتی سایر دستگاه‌ها نیز در پرونده‌ها و دعاوی حقوقی از آنها حمایت می‌کردند. بعد از انقلاب دستگاه امنیتی - انتظامی وقت نیز حساسیت لازم را داشته و البته شناخت اولیه ناقص، و با همه



تجمعات و دست اندازی یهودیان برخورد و از ارتباط تجمعات یهودیان با رژیم صهیونیستی سوال می شد. هر چند حضرت امام خمینی «ره» فرمودند حساب یهود از صهیونیست ها جداست، اما عناصر یهودی و افراطی از یک طرف و نگاهی متفاوت با نگاه حاکمیت و به همراه اقلیتی از مسلمانان از طرف دیگر، در بسیاری مواقع اجازه تسلط درک این تفاوت را نداده و البته تا تسلط و نهادینه شدن این نگاه هزینه های زیادی به نظام تحمیل شد.

**مسیحیت:** قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره نگاه ایدئولوژیک به مسیحیت وجود داشته، کتب نقد و ردیه های متعدد توسط عناصر مذهبی، نشان از توجه به این حوزه دینی داشت. این نگاه علاوه بر مسیحیت تبلیغی و تبشیری (پروتستانتیسم)، متاسفانه شامل ارامنه و آشوریان نیز شد. آگاهی نسبت به نقش این دوقومیت از رشد کلیساهای پروتستان، قبل و بعد از انقلاب وجود داشته و یا با افشاگری هائی سطح آگاهی افزایش یافت. این هجمه تبلیغی علیه یک کشور اسلامی ذیل فعالیت انواع و اقسام کلیساهایی که اجازه داشتند هر یک شنبه ناقوس های خود را به صدا در آورده و آزادانه با توزیع اقلام تبلیغی به ترویج مسیحیت در جامعه اسلامی پردازند، باعث حساسیت بیشتر جامعه بویژه در قشر مذهبی شد. بی شک تهدیدات علیه سران کلیساهای وابسته به بیگانگان و نیز متواری شدن تعداد قابل توجهی از مبلغین این حوزه نمی توانست خارج از دایره آگاهی و اقدام گروه های مذهبی متعصب تعریف شود. (نورمحمدی، ۱۳۹۹)

دکتر داداشی آذر کارشناس حوزه ی اقلیت های دینی، در رابطه با عوامل داخلی و نوع نگاه اکثریت جامعه که ممکن است محملی برای سوق دادن اقلیت ها به سمت امنیتی شدن باشد چنین نظر می دهد:

اساساً در جوامعی که اقلیتی دینی وجود دارد، اگر با اکثریت واجد یک سری تعارضات از منظر عملاً ایدئولوژیک و قومیتی باشند در ذات خود یقیناً می تواند زمینه امنیتی شدن را فراهم سازد. رابرت تدگارت با بررسی جنگ های ۱۹۴۸م تا ۱۹۵۸م اذعان می دارد که عمده ی جنگ ها و درگیری ها معطوف به همین موضوع است. در هر صورت وقتی که یک اقلیتی واجد یک ایدئولوژی باشد که آن ایدئولوژی در ذات خود ایدئولوژی حاکم بر اکثریت را نقض می کند، پس می تواند بستر امنیتی شدن هم ایجاد نماید. اما این قضیه به معنا و مفهوم فعلیت امنیتی شدن نیست، بلکه باید گفته شود که صرفاً بالقوه می تواند امنیتی شود. یعنی باید دست هایی در این میان به کنش گری پردازند و این تعارضات را تحریف کنند تا به فعلیت برسانند. به هر روی این تعارضات فقط یک متغیر اساسی، یک علل و زمینه است ولی به پیش ران هایی نیاز دارد تا این تعارضات نهفته را از قوه به فعل تبدیل کند. این پیش ران ها می توانند کنش گران، بازیگران و نقش آفرینان مختلفی را چه در داخل و چه از بیرون شامل شود. ولی اساساً من معتقدم پیش ران های اصلی این موضوع یعنی به فعلیت رسیدن این تعارضات و تبدیل

آن‌ها به مسائل امنیتی، گروه‌های تندرو چه در داخل اقلیت و چه در داخل اکثریت می‌تواند باشند. (داداشی آذر، ۱۴۰۰)

از منظر تفاسیر متعدد و بعضاً متناقض از حقوق اقلیت‌های مذکور، باید اذعان نمود نگاه دولت‌ها به اقلیت‌های دینی فاقد وجه مشترک قابل دینی-ارزشی با جامعه اکثریت و ایدئولوژی حاکم، گاهاً بدبینانه و حداقل در جغرافیای ملی خود و به جهت این نگاه سیاست‌گذاری‌ها معطوف به محدودسازی در ابعاد مختلف می‌شود. البته در مواجهه با این مسئله به نحوی عمل می‌شود که کمتر می‌توان نگاه ایدئولوژیک را در آن مشاهده کرد و بسته به تحلیل از وضعیت اقلیت، این محدودیت‌تغییراتی دارد.

مراجع قانون‌گذار جمهوری اسلامی در نگاه به اقلیت‌های دینی نسبت به مسائل و آسیب‌های این حوزه محتاط بوده و از ابتدای وضع قوانین مربوط به اقلیت‌ها، از جمله قوانین مربوط به ارث، دیه، انتخابات، مراسم و برگزاری آئین‌های دینی-فرهنگی و اقتصادی و... محل اختلاف بوده و بین نگاه امنیتی و اجتماعی-فرهنگی دیدن آن‌ها در حوزه‌های مختلف همچنان اختلاف وجود دارد. همین اختلافات نیز برخی مواقع باعث تشلید فضای امنیتی در دو طرف، به خصوص در طیف‌های معتقد به نگاه افراطی در هر دو طیف می‌شود.

آقای دکتر داداشی آذر با تشکیک در علت تامه بودن و یا نبودن بعضی از تفاسیر در حوزه دینی، معتقد است، می‌شود به عنوان یک زمینه بدان پرداخت که به نگاه حاکمیت به اقلیت‌های دینی به عنوان فرصت یا تهدید مرتبط است: بعضی از تفاسیر در حوزه دینی که می‌تواند آستن مباحث امنیتی شود عیناً می‌تواند علل و زمینه‌های امنیتی شدن نیز در پی داشته باشد ولی این هم نمی‌تواند علت تامه باشد و صرفاً می‌توان به عنوان یک زمینه این را نیز لحاظ کرد. به عنوان مثال آیا حاکمیت به اقلیت‌های خود به عنوان یک تهدید ماهوی یا یک فرصت یا یک فرصتی درون یک تهدید نگاه می‌کند. این‌ها مسائل مهمی است که آیا اقلیت را یک فرصت می‌داند که می‌تواند به یک تهدید هم تبدیل شود و یا اقلیت را یک تهدید می‌داند که باید تلاش کند آن را تبدیل به یک فرصت کند. اینجا قوانین و مقررات بسیار بسیار تاثیرگذار است یعنی اینکه آیا ما اقلیت‌های دینی را یکی مسئله بدانیم برای خودمان که می‌خواهیم با تقنین و مقررات این مسئله را حل کنیم، که خود یک بحث است، یا اینکه نه این‌ها را از طبقات اجتماعی بدانیم که با تقنین و مقررات می‌خواهیم در بهینه‌ترین وجه خود از این‌ها استفاده شود، یا از تبدیل شدن به آسیب‌های جدی جلوگیری شود.

معتقدم عموم قوانین و مقررات کشور یک ضمانت اجرایی برای حفظ و صیانت از اقلیت‌ها نیز ایجاد کرده است ولی این واقعیت نیز وجود دارد که آیا همه این‌ها در حد تمام و کمال است یا خیر؟ قطعاً اینچنین نیست و اشکالاتی وجود دارد، اما این به معنای نقض، یا تقابل و محدودسازی اقلیت‌های دینی نیست بلکه به معنای

اخص کلمه، حوزه های قانونی ما، حوزه های صیانتی و حفاظتی در حوزه ی اقلیت‌های دینی می باشد. (داداشی آذر، ۱۴۰۰)

برخی اندیشمندان مسلمان، به همراه رهبران، نمایندگان و سران اقلیت‌های دینی در ایران، بر خلاف نظر عده ای که باور دارند اقلیت‌های دینی می‌توانند بستر بروز نا امنی بویژه در حوزه امنیت ملی باشند و باید آنان را با قوه قهریه و رادیکالی مدام کنترل نمود، معتقدند هیچ گونه چالشی بین اقلیت‌ها و نظام اسلامی که بتواند نظام را به سمت نگاه امنیتی نسبت به اقلیت‌ها سوق دهد و یا اقلیت‌ها را نسبت به نظام بدبین نماید وجود ندارد.

### بحث و نتیجه گیری

بررسی ها نشان می‌دهد ایمنی، امنیت و امنیت ملی حیاتی ترین انتخاب بشر می باشد، چرا که در سایه امنیت است که سایر خواسته ها حتی آزادی و عدالت تحقق می یابند. لذا تامین امنیت از مهم ترین وظایف حکومت‌هاست.

امنیت هم به مثابه هدف و هم به عنوان وسیله برای جوامع مطرح است؛ بدین معنی که یک رشته اقدامات و تلاش‌های جوامع بشری برای تحقق این مهم، در راستای اهداف کلان معنی و مفهوم می‌یابد واز سوی دیگر، برقراری آن پیش نیاز اصلی و شرط اساسی تحقق سایر اهداف مهم پیش گفته هم‌چون آزادی، توسعه و عدالت است.

بررسی عوامل تهدید ساز و امنیتی ساز در حوزه امنیت ملی حقایق قابل توجهی را در خصوص اقلیت‌های دینی مسیحیت، یهود و زرتشت در جمهوری اسلامی ایران نمایان ساخت. آنچه مسلم است این که تاریخچه زندگی جمعی اقوام دینی ایرانی با یکدیگر به درازنای تاریخ باستان و قبل از ظهور اسلام است. با ظهور اسلام و ورود آن به ایران نیز حقوق غیر مسلمانان محترم شناخته شد، مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان که از ساکنین قدیمی این سرزمین بودند با کمال آرامش و امنیت در ایران زندگی کردند. با استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز بسیاری از مواردی که احتمال نگرانی اقلیت‌های دینی را در پی داشت در قانون اساسی و یا سایر قوانین مد نظر قرار گرفت. اقلیت‌های دینی می‌توانند نماینده خود را به مجلس شورای اسلامی بفرستند، علیرغم رای بسیار قلیل نمایندگان اقلیت‌های دینی راه‌یافته به مجلس، نظر و رای آنان با نظر فردی مسلمان که با صدها هزار یا یک میلیون رای به مجلس راه یافته برابر است.

در سراسر کشور کلیساها، کنیسه ها و نیز تعداد قابل توجهی آتشکده در کشور به صورت فعال به انجام وظیفه برای پیروان خود مشغولند. اقلیت‌های دینی، مدارس و نشریات مخصوص خود را دارند، هر ساله در کنکور دانشگاه ها می‌توانند از معارف خود برای امتحان استفاده نمایند. آنها علاوه بر بودجه عمومی کشور، از بودجه

خاص اقلیت‌های دینی نیز به منظور هزینه در امور خود بهره می‌برند. دهها انجمن و مرکز به رتق و فتق امور اقلیت‌های دینی مشغولند. آرامنه هر ساله المپیک بین‌المللی را در ایران با حضور بیش از ۲۰ کشور در ورزشگاه متعلق به خود برگزار می‌نمایند. آشوریان نیز هر ساله جام‌توموز را در تهران و آذربایجان غربی برگزار می‌کنند. یهودیان با آزادی به مناسبت‌های دینی خود می‌پردازند، جشن‌حنوکا، جشن سوکا، عید پصح و نیز ایام زخرون از این موارد است. زرتشتیان آئین‌های دینی و باستانی همچون جشن سده، جشن مهرگان و... را در اماکن ویژه خود برگزار می‌کنند.

با همه این احوال هنوز نقایصی را مطرح می‌کنند که قبل از این که سیاسی و یا حتی اجتماعی باشد، مولود نگاه‌های فقهی طرفین اقلیت و اکثریت است. برخی از این موارد مثل برابری دیه مسلمان با غیر مسلمان و یا حضور غیر مسلمان در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا حل شده است. ولیکن بعضی نیز نیاز به بحث، بررسی و اصلاح دارد.

آنچه که قابل تامل است و در نظرات و دیدگاه‌های آقای افتخاری نیز آمده است، اقلیت‌گرایی دینی است، برخی اقلیت‌ها بویژه در کشوری که ارکانی ایدئولوژیک دارند، احساس نوعی دورافتادگی می‌کنند. اگر مدیریت جامعه اقلیت صحیح نباشد، آنها احساسی از انواع تبعیض را در ذهن خود می‌پرورانند. بنا بر این در صورتی که به اقلیت‌های دینی به عنوان بخشی از یک جامعه اکثریت نگاه شد، قطعاً آنان به سمت واگرایی و یافتن خواسته‌های خود به اشکالی هنجار شکنانه نخواهند رفت. آنچه مسلم است اقلیت‌های دینی مسیحیت، یهود و زرتشت یک فرصت کم نظیر برای کشور و نظام هستند، که با رفتارهای ناصحیح نباید این فرصت را به تهدید یا حتی آسیب تبدیل کرد.

با تعمیق در تحلیل مدلی که آقای افتخاری ارائه کرده است، اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی، همه در حوزه‌های اجتماعی تعریف می‌شوند، آنان صرفاً یگ گروه و یا یک اقلیت دینی بوده و وارد اقلیت‌گرایی دینی نشده‌اند. این اقلیت‌ها می‌کوشند خواسته‌های خود را از طریق حکومت به دست آورند. چنانچه گذشت در زمان مواجهه با تفکرات افراطی و یا دست‌اندازی‌های بیگانگان به موقع اظهار نظر می‌کنند.

اقلیت‌های دینی در انقلاب، جنگ و سازندگی نقش‌های بی‌بدیلی ایفا کرده‌اند، وجود دهها شهید، جانباز و آزاده از جامعه اقلیت‌های دینی مویده این موضوع است. هر ساله رهبر معظم انقلاب به مناسبت‌های مختلف از خانواده شهدای اقلیت‌های دینی بازدید می‌کنند.

در نقطه مقابل هم مشاهده شده اکثریت پیروان دینی مسلمان، چه بدنه جامعه و چه رهبران جامعه، هیچ گاه به دنبال امنیتی ساختن اقلیت‌های دینی نبوده اند. نوع نگاه مسلمانان به ارامنه، آشوریان، زرتشتیان و یهودیان حاکی از زندگی مسالمت آمیز آنان است.

به هر روی با مجموعه دلایل و فرآیندهائی که ذکر شد، علل و عوامل داخلی صرفاً می‌توانند موجبات نگرانی اقلیت‌های دینی را در اموری فراهم سازند و این امر اعتراضات و انتقاداتی نسبت به کارگزاران را به دنبال داشته باشد، ولیکن از این که بتواند همگرایی آنان با حاکمیت را بر هم زده و به سمت واگرایی سوق داده و زمینه امنیتی شدن و امنیتی ساختن آنان را بوجود آورد، بسیار ضعیف است.

در مجموع از آنچه در جمع‌آوری خبرگی و مصاحبه‌ها به دست آمد می‌توان یافته‌های زیر را به عنوان همخوانی و همبستگی نگاه خبرگان با یافته‌های درون بود پژوهش حاضر مستفاد کرد:

- اقلیت یهودی و زرتشتی، تهدید امنیتی برای نظام و کشور محسوب نشده و اساساً ظرفیت ایجاد تهدید امنیتی ندارند؛
- مسیحیت تبشیری و نوکیشانه، به سبب تجری خود در تبلیغ و جذب مسلمانان به مسیحیت و خودنمایی و نیز محتوای اعتقادی خود تهدید امنیتی محسوب می‌شود که می‌تواند فتنه دینی و امنیتی در کشور ایجاد کند.

#### راه کارهای پیشنهادی

در این پژوهش تلاش شد، با دریافتی که در طول پژوهش بدست آمد، مواردی مطرح شود که اهم آن چنین است:

- ۱- تمرکز بر؛ بهبود محسوس وضعیت اقلیت‌های دینی یا حتی کمک کردن به آن‌ها در زمینه موضوعات مختلف، می‌تواند بهترین نوع همراه سازی برای نظام و کشور بوده و در عین حال بخش زیادی از تبلیغات خارجی را خنثی کند.
- ۲- استفاده از جریانات فرهنگی به منظور مقابله علمی و حساب شده با موضوع تبشیر، افشای پشت پرده هدفمند بودن تغییر هویت ایرانی - اسلامی ایرانیان توسط بیگانگان، بسیار موثر است و پیشنهاد می‌شود.
- ۳- یکپارچه‌سازی اقدامات مربوط به حوزه اقلیت‌های دینی: اجتناب از اقدامات ناهماهنگ از طرف دستگاه‌های متولی و پرهیز از موازی کاری یک اصل است و این اصل در مسئله مدیریت اقلیت

دینی هم یک مسئله مهم است. این یکپارچه‌سازی باید به یکپارچه‌سازی استراتژی نحوه مواجهه و هماهنگی اقدامات تسری یابد و یک مدیریت واحد نهادی شکل بگیرد.

۴- برخورد با جریان تبشیر به مثابه برخورد با جرم عادی و نه سیاسی و عقیدتی: باید در برخورد با جریان تبشیری، به جای بعد دینی بر بعد صرفاً قانونی و عرفی برخورد مزبور تأکید شود.

۵- حمایت از اقلیت قانونی دینی کشور و کوشش برای تأمین خواسته‌های قابل تحقق آن تا حد امکان: پادزهر هر گونه اتهام در مورد اقدامات ضد مسیحیت تبشیری و نوکیش، تعامل مثبت و حمایتی با دیگر اقلیت‌های مذهبی قانونی است. این روش در صورت کاربست واقعی بسیاری از اقدامات تبلیغی علیه نظام در حوزه حقوق اقلیت‌های دینی را خنثی می‌کند.

## منابع و مأخذ

- حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره)
- حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)
- آبادیان، حسین (۱۳۸۹)، **بسترهای تاسیس حکومت پهلوی**، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی ایران
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶)، **امنیت در نظام سیاسی اسلام**، تهران: کانون اندیشه جوان
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲)، **عدالت و امنیت ملی در اسلام**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، **اقلیت گرائی دینی؛ طراحی یک چارچوب تحلیلی**، تهران: انتشارات تمدن ایرانی
- برآوردیان، شکرالله (بی تا)، **نقش یهودیان در بانکداری، بازرگانی و صنعت ایران**، بی جا: بی نا
- بوزان، باری، ویور، الی و پاپ دوولد (۱۳۸۶)، **چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ترنبری، پاتریک (۱۳۷۹)، **حقوق بین الملل و حقوق اقلیت‌ها**، ترجمه علی اکبر آقایی و آزیتا شمشادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جهانی، محمد (۱۳۹۲)، **تأثیر اقلیت گرائی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نشریه آفاق امنیت
- خوبروی پاک، محمدرضا (۱۳۸۰)، **اقلیت‌ها**، تهران: شیرازه.
- ریاست جمهوری، (۱۳۹۵)، **گزیده نتایج سرشماری نفوس و مسکن**، تهران: نهاد ریاست جمهوری.
- زند، شلومو (۱۴۰۰)، **اختراع قوم یهود**، ترجمه احمد علیقلیان، تهران: فرهنگ نشر نو.
- سرشار، هما (۱۳۷۵)، **یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر**، لس آنجلس: مرکز تاریخ شفاهی ایران.
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۹)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، بازبینی نظری و پارادایم **ائتلاف**؛ تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- شکبیا، احمد (۱۳۹۵)، **بررسی اقلیت‌های قومی و دینی با تأکید بر جامعه ایران**، تهران: دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی
- عبدالله خانی علی، (۱۳۸۵) **مقاله: بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن**؛ تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، خرداد ۱۳۸۵
- عزت شاهی، عزت الله (۱۳۸۴)، **خاطرات عزت شاهی**، به کوشش محسن کاظمی، تهران: سوره مهر
- فردوست، حسین (۱۳۸۹)، **ظهور و سقوط سلطنت پهلوی**، تهران: مؤسسه اطلاعات

- فریدمن، لارنس (۱۳۷۵)، *بازدارندگی*، ترجمه عسگر قهرمان پور بناب و روح الله طالبی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- گودرزی، حسین (۱۳۸۵)، *مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی*، تهران: تمدن ایرانی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چ چهارم.
- مک‌کین لای، رابرت دی و لیتل، ریچارد (۱۳۸۰)، *امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها*، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- هوسپیان، شاهین، (۱۳۸۳)، *فهرست کلیساهای ایران*، تهران: فصلنامه فرهنگی پیمان.
- یشایایی، هارون (۱۳۷۹)، *مهاجرت، انگیزه‌ها، علل و نتایج آن*، تهران، بی‌نا

#### مصاحبه‌ها:

- مصاحبه توسط محمد علی سلامی، از خ. رستم آبادی، ۱۳۹۹
- مصاحبه توسط محمد علی سلامی، از داداشی آذر، رسول، ۱۴۰۰
- مصاحبه توسط محمد علی سلامی، از نورمحمدی، سید احمد، ۱۳۹۹